

گفتار

دیدگاه یک

سر تولید داخلی بی کلاه مانده است

برای برون رفت از «بن بست اشتغال» باید چکار کنیم؟

من دوسه پیشنهاده دارم که اگر به صورت محوری دنبال شوند، اثر خوبی دارند؛ یکی «فرهنگ سازی برای مصرف تولید داخلی» در جامعه است. همه رسانه‌ها، مطبوعات، دستگاه های فرهنگی و صداوسیما باید به داد تولید برسند. فضایی ایجاد کنند که گرایش خرید مارک خار چی کم شود. جامعه ما دو گروه شده، دو سطح شده؛ یک سطح کاملا مرفه که در حدود ۱۰ درصد از جمعیت ما هستند. این‌ها تمام لوازم زندگی شان خارجی است. یک طبقه پایین هم داریم. ما امروز چیزی به نام طبقه متوسط نداریم. یک طبقه ۹۰ درصدی داریم که قدرت خرید کمی دارند، اما خریدن ما هم از نوع خارجی است. طبقه مرفه از نوع بهترین خارجی و طبقه پایین از نوع بنجل خارجی؛ مثل اجناس چینی. عملا سر تولید داخلی بی کلاه می ماند. تقاضایی برای آن نیست. لذا باید روی صادرات کار کنیم. واقعیت این است که اگر جامعه ما شغل می خواهد، باید به سمت مصرف کالای داخلی برود و بنگاه داران هم باید روی کیفیت و قیمت تمام شده کار کنند.

اقتصاد مقاومتی رکن است

نه یک مسئله سیاسی

نکته دوم اینکه ما باید از فضای سیاسی کشور خارج شویم و به سمت فضای اقتصادی حرکت کنیم. چندین سال است که مقام معظم رهبری بر روی مسائل اقتصادی تأکید دارند. می داند که اگر مسائل اقتصادی بهبود پیدا کند، از مشکلات فرهنگی مردم کاسته می شود. منتها ما در بحران مسائل اقتصادی هستیم. مسئولان کشور باید سعی کنند مسائل سیاسی را بر مسائل اقتصادی ترجیح ندهند. مسائل اقتصادی رکن است. اقتصاد مقاومتی رکن است، نه مسائل سیاسی. این نظام حقوق و دستمزد در کشور جواب نمی دهد. باید از وقت مزدی به کار مزدی تغییر کند. اما در کشور این آمادگی وجود ندارد. بوروکراسی اداری جواب گو نیست. اصلا آمادگی ندارد. اگر در بخش دولتی این کار انجام شود، بحران به وجود می آید؛ در حالی که کار باید قابل اندازه گیری باشد. این باید معیار باشد؛ اما مقاومت‌ها وجود دارند.

ضرورت اجرای طرح «استادشگردی»

نکته سوم لزوم اجرای طرح کارورزی توأم با کار یا طرح «استادشگردی» است. این طرح برای اجرا آماده شده است. اگر همسویی بین دستگاه‌ها به وجود بیاید، این طرح می تواند اثرگذار و مفید باشد. بهبود وضعیت بانک‌ها بسیار مهم است. ما در استان نباید نسبت متابع و صارفمان ۶۰ درصد باشد. باید حتی بیشتر از ۱۰۰ درصد باشد. توسعه اشتغال مهم است. اشتغال باید نقشه راه داشته باشد. نمی توانیم صرفا بدون نقشه راه کاری از پیش ببریم. بالاخره که باید معلوم باشد به کدام سمت حرکت کرده و می کنیم. اگر معلوم شد دیگر این همه تضاد در عملکردها نباید داشته باشیم. باید خیلی منسجم تر رفتار می کردیم. وضعیت دانشگاه‌ها بسیار مهم است. دانشگاه‌ها باید براساس نیازسنجی اقدام به پذیرش دانشجو کنند. کدام یک از دانشگاه های ما ملزم به رعایت این قبیل نیازسنجی‌ها هستند؟ کدام دانشگاه را بابت عدم رعایت و سنخیت نیازهای بازار کار و دانشگاه مورد سوال قرار داده ایم و بازخواست کرده ایم؟ فنی و حرفه‌ای و مهارت آموزی باید براساس نیازسنجی اقدام کند. نظام آموزشی کشور نیز باید از کار جویی به کارآفرینی تغییر کند. در کتاب اول دبستان در زاین اولین جملات این است که «آیا می دانید مملکت ما روی تلی از خاکستر است؟ آیا می دانید همه منابع ما به اتمام رسیده است؟ پس باید برای زنده ماندن کار کرد.» این کتاب دبستان کشوری است که پس از آمریکا بیشترین رشد و توسعه را در آن هم بدون منابع طبیعی زیرزمینی؛ بنابراین نظام آموزشی هم باید متناسب با این تفکر توسعه پیدا کند.



کارخانه هایمان تقریبا از هر ۲۴ساعت فقط ۵ساعت فعال اند

در کشور، اسراف سرمایه گذاری داریم

همه تلاش دولت در این راستاست که بنگاه‌های نیمه‌فعال را فعال کند و ظرفیت‌های کم را افزایش دهد. مادر کشور اسراف سرمایه گذاری داریم. این ظرفیتی که مادر کارخانه‌ها یا بنگاه‌های اقتصادی در حال ایجادش هستیم و ایجاد می کنیم، در کشورهای توسعه‌یافته، از بیست و چهار ساعت، نوزده و نیم ساعت از آن کار می‌کشند.

علی اکبر لبافی، معاون سابق وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی

از نبود تدبیر مناسب برای اصلاح بازار کار و اشتغال می‌گوید

تبخیر اشتغال

آقایان چپی و راستی هم مشترک است. آن چیزی که نودش خیلی احساس می‌شود، نداشتن یک‌نقشه جامع‌ویک «اتفاق نظر ملی» در باره اشتغال است.

همان‌طورکه خود شما تصریح می‌کنید، اشتغال یک نقشه راه می‌خواهد، یک سند می‌خواهد؛ یعنی به‌اصطلاح برنامه‌ریزی و مدیریت برای «سند توسعه اشتغال». ما در گذشته، یک سند توسعه اشتغال مصوب کردیم؛ هم در سطح استانی و هم در سطح ملی. اما نمی‌دانم بعد از آن چه اتفاقی برای این سند افتاد؛ در جریان نیستیم! یک سند ملی اشتغال و یک سند استانی اشتغال با عنوان «نقشه راه» مصوب شد.

کسانی که در سطح استان و سطح ملی سند نوشتند، (که آن‌موقع من در دو سطح ملی و استانی بودم) به آن‌ها تاکید می‌کردیم که طوری برنامه تنظیم شود که به تخصصی نیاز است؛ چه نوع دانشجویی را برای من پرورش دهد و آماده کند. یا فرض کنید در شهرستان بردسکن، به چه افرادی نیاز داریم یا به فنی و حرفه‌ای بگوییم که در پنج یا هفت سال آینده، چه نوع تخصص مهارتی را برای من پرورش دهد. یک نقشه راه بسیار کاربردی موردنیاز است؛ اما این اتفاق نیفتاد. الان هم نمی‌افتد.

به‌نظر شما چه عواملی در حال حاضر سبب کاهش اشتغال شده‌است؟
در استان خراسان رضوی، دلایل مختلفی سبب نرخ بیکاری شده است. به‌نقل از آقای شهردار، در روزنامه‌ها خواندم که در حوزه ساخت‌وساز ۵۰درصد ساخت‌وساز کاهش پیدا کرده است. چه دولتی برای این کاهش وجود داشت؟ بیش از ۴۰۰ رشته شغلی فقط در حوزه ساختمان و ساخت‌وساز است؛ از میلمان و کارگاه‌های مختلف کوچک و بزرگ گرفته تا ذوب‌آهن و معادن. این خودش نشان می‌دهد که طبیعتا اشتغال‌مان باید کاهش پیدا کند. اگر بتوانیم این بخش را رونق دهیم، طبیعتا اشتغال به وجود می‌آید.

در حال حاضر، برخی طرح‌ها در استان اجرا می‌شود؛ اما نکته اینجاست که اجرای این طرح‌ها با شدت و ضعف همراه است. اکنون مسئله بیکاری باید در صدر باشد و با قدرت بیشتری پیگیری شود. در زمانی که بنده مسئولیت داشتم، طرحی داشتیم مبنی بر اینکه هر بنگاه اقتصادی که نیروهایش را از بین دوستانی که بیمه‌بیکاری دریافت می‌کنند، انتخاب کند، ۷۰درصد فقط ۳۰درصد پرداخت کند.

برخی کارشناسان، تزریق نقدینگی به بنگاه‌های متوسط و کوچک را تدبیر مناسبی برای ایجاد رونق اشتغال نمی‌دانند. شما این رویکرد را چطور ارزیابی می‌کنید؟



علی اکبر لبافی

محمدعلی غلبه‌دارند

مقررات بود. در آن سال، بالغ بر سی هزار پرونده در رابطه با شکایت کارگر و کارفرما داشتیم. در حدود سیصد تا چهارصد نفر عضو هیئت تشخیص حل اختلاف در استان داشتیم که فقط به این پرونده‌ها رسیدگی می‌کردند. شکایت‌رأمی گرفتند، رسیدگی کرده و حکم صادر می‌کردند. حکم به دادگاه و پاسگاه و توقیف اموال می‌رفت و فرایندایی را طی می‌کرد که همه‌اش منخل کسب‌وکار بود. ما به‌عنوان دستگاهی که باید خادم جامعه باشد و فقط زائران می‌توانند با خودشان حمل کنند، بسیار خوب است. اما به نظر می‌آید استان خراسان دچار یک مشکل و گرفتاری شده است. نرخ بیکاری استان در سال ۸۷ در حدود میانگین نرخ بیکاری کشور بود یا شاید کمی بیشتر. اما طی یک مدت با رویکردی که در استان به وجود آمد و این رویکرد استفاده از تمام ظرفیت‌ها بود، فضای استان منحل شد. در سال ۱۳۹۱، یکی از مشکلاتی که بنگاه‌های اقتصادی با آن مواجه بودند، مشکلات قوانین و



www.shahraraonline.com

چهارشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۵

شماره ۲۲۰۲

دیدگاه دو

۸۴درصد

بیکاری پنهان داریم

من یکی از کارهایی که در زمان مسئولیتم ارائه دادم، تغییر نظام پرداخت حقوق، از وقت‌مزدی به کارمزدی بود و اجرا هم کردم. چند کارخانه این مدل را اجرایی کردند. فضای موجود پاسخ‌گوی وقت‌مزدی نبود. وضعیت این‌گونه بود که هر چه افراد بیشتر می‌ماندند، بیشتر حقوق می‌گرفتند. اما از این‌ماندن، چیزی در تولید ناخالص ملی به دست نمی‌آید. اثرگذار نیست. در دنیا از ۵۲ساعت کار اسمی، ۴۴ساعت موظفی هفتگی است و در ۴۴ساعت، ۸۶درصد کار مفید انجام می‌شود؛ یعنی کشورهای توسعه‌یافته فقط ۱۴درصد دچار بیکاری پنهان‌اند، ولی در کشور ما از ۵۲ساعت کار اسمی، ۱۶درصد تبدیل به کار مفید می‌شود. ما کاملا برعکس هستیم؛ یعنی چیزی حدود ۸۴درصد بیکاری پنهان داریم! این بیکاری پنهانی به این معنا نیست که سر کار نفرقیم یا به‌موقع نترقیم، بلکه سر کار رفته‌ایم، اما تأثیری در تولید ناخالص نداشتیم؛ بنابراین یکی از مسائلی که می‌تواند این کشور را در این حوزه نجات دهد، تغییر نظام حقوق از وقت‌مزدی به کارمزدی است. پرداخت حقوق باید براساس قطعه ارائه‌شده یا صفحه تایپ‌شده یا پرورنده رسیدگی‌شده باشد؛ یعنی کاری که قابل‌شمارش باشد. ما اگر کار را نتوانیم اندازه‌گیری کنیم، نمی‌توانیم مدیریت کنیم.

متاسفانه مسائل سیاسی بر

اقتصادی غلبه‌دارند

بسیاری از کشورها این طرح را اجرا می‌کنند. ما در استان خراسان این طرح را اجرا کردیم و کارگران خیلی از این شرایط راضی بودند. اما در کشور کسی آمادگی ندارد این نکات را بگوید. دلیلش این است که در کشور فضا بیشتر سیاسی است تا اقتصادی. می‌ترسند اگر بگویند، بر خورد شود. متاسفانه مسائل سیاسی بر مسائل اقتصادی غلبه کرده است.

موضوع اشتغال بحث گسترده و البته دردآوری است. باید امروز از خودمان بپرسیم «سند توسعه اشتغال استان کجاست؟ و به کدام سمت می‌رود؟ و اصلا سند توسعه کشور قرار است به کدام سمت برود؟» اگر بر مبنای صنعت تعریف کنیم، به یک سمت می‌رود و اگر بر مبنای کشاورزی تعریف کنیم، به سمت دیگر.

صندوق‌های بازنشستگی الان کجا هستند؟

برخی مسائل را نمی‌توان گفت. صندوق‌هایی که باید ظرفیت‌سازی می‌کردند، الان کجا هستند؟ یعنی صندوق‌های بازنشستگی و امثالهم ایجاد شده، یک کارخانه یا یک بنگاه اقتصادی ده‌ها جا سرمایه‌گذاری کرده، اعم از کشوری و تأمین اجتماعی و صندوق‌های دیگر؛ اما بعضی از این صندوق‌ها ورشکسته‌اند. این‌ها منجر به جریان خاصی در کشور می‌شوند؛ به‌عنوان مثال در یک صندوق، سهمی را گروه مزدبگیر وارد می‌کند و سهمی را کارفرما، شما هر کاری کنید، نجات پیدا نمی‌کند؛ چون نظام حقوق و دستمزد آن صندوق‌را که صندوق بسیار بزرگی است، طوری طراحی کرده‌اند که حقوق و دستمزد و پرداختی آن، در برابر حقوق و دستمزد کشوری است! چند برابر حقوق و دستمزد گروه‌های ذی‌نفعی است که تأمینش می‌کنند! این حقوق و دستمزد سه تا چهار برابر مشابه حقوق و دستمزد‌های دیگر است و این باید اصلاح شود. برای این کار، آدم‌هایی نیاز است که ترسند؛ آدم‌هایی که از رأی و انتخابات آیند و از این قبیل مسائل ترسند و واقع‌گرا باشند. فرض کنید فردی از مسئولان کشور بازنشسته می‌شود. حقوقی که می‌گیرد، همان حقوق ایک‌کارگر جزء دفتردار در یک شهرستان هم می‌گیرد. این‌ها مسائلی است که وجود دارد و نمی‌توان شفاف کرد. باید یک نظام حقوق و دستمزد یکپارچه در کشور ایجادشود. این وضعیت‌مدیریتی کشور نمی‌تواند این‌ها را سر جمع کند. باید افرادی بیایند که از رأی و دستگاه‌ها دیگر ترسند و بر مبنای عقل و منطق و قانون بتوانند خیلی از مسائل را پیش ببرند.